

Animal symbolism in unofficial literature

Leyla Ghorbani Ghare Tape¹, Bahman Rezaei², Marzie Kookabi Far³

نمادگرایی حیوانی در ادب عامه

لیلا قربانی قره‌تپه، بهمن رضایی، مرضیه کوکبی فر

Abstract

There is another type of literature in the culture of every land beside the official literature, the source of which is the beliefs, ideas, interests and common speeches of the people. This unofficial literature, known as folk literature, shows the depth of the culture and authenticity of the people of one land and can be considered their ancient birth certificate. In this type of literature, emblem, and symbols seen in different ways, and beyond their apparent meanings, they are a means of expressing vague and unknown truths. Animal symbolism is an example of a variety of symbols that have been dealt with because of the behavioral sharing and intertwining of human and animal life.

To decode the symbols, one has to be creative in mind and take a sharp and meticulously look, in addition to, consider all the social, cultural, ethnic, geographical, and even political conditions of symbol's use.

Keywords: Folklore, Symbol, Animal Symbolism, (Fable), Symbolization of the animal.

چکیده

در فرهنگ هر سرزمینی جز ادبیات رسمی، نوعی ادبیات دیگر نیز حضور دارد که منشأ آن باورها، اندیشه‌ها، علائق و سخن‌های رایج میان مردمان است. این ادبیات غیر رسمی که ادبیات عامیانه نام گرفته است، نشان از عمق فرهنگ و اصالت مردمان یک سرزمین دارد و می‌توان آن را شناسنامه کهن آنان دانست. در این نوع ادبیات، نمادها و سمبل‌ها به گونه‌های متفاوتی دیده می‌شوند و در ورای معانی ظاهری، وسیله‌ای برای بیان حقایق مبهم و ناشناخته به شمار می‌روند. نمادگرایی حیوانی، نمونه‌ای از انواع نمادهاست که به سبب اشتراک رفتاری و آمیختگی زندگی انسان و حیوان به آن پرداخته شده است. برای رمزگشایی از نمادها، باید ذهنی خلاق و ورزیده و نگاهی تیزبین و موشکافانه داشت و تمام شرایط اجتماعی، فرهنگی، قومی، جغرافیایی، ... و حتی سیاسی استفاده از آن نماد را در نظر گرفت.

کلیدواژه‌ها: فولکلور، نماد، نمادگرایی حیوانی، (فابل)، نماد گشایی حیوانی.

۱. Ph.D at Persian Language and Literature

۲. Ph.D at Persian Language and Literature

۳. M.A at Persian Language and Literature

۱. دانش آموخته مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی (نویسنده مسئول)

ghorbani6496@gmail.com

۲. دانش آموخته مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی

b.rezaei1362@gmail.com

۳. دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

mkokabifar@gmail.com

مقدمه

در گذشته انسان برای آن که بتواند فضای یکنواخت زندگی خود را تغییر دهد و به چیزی به جز کار و تلاش برای زنده ماندن بپردازد، به قصه‌سازی و قصه‌گویی رو آورد.

انسان بی آنکه بخواهد، از طبیعت برای ساخت داستان‌هایش الهام می‌گرفت؛ از درخت و چشمه و کوه تا حیوانات و موجودات خیالی. کم‌کم به موجودات قصه‌اش زبان گفت‌وگو بخشید و شخصیت آنان را بر اساس آنچه به واقع در رفتار آنان می‌دید یا تجسم می‌کرد، بنا نهاد؛ چنان‌که صورت جغد به گونه‌ای برای او متفکر بود و چهره روباه و رفتارش مکر و حيله را به ذهن متبادر می‌کرد. آهو همیشه زیبا و مهربان به نظر می‌رسید و گرگ در شکار خشن و ستمگر بود.

به تدریج بیان اندیشه‌ها و احساسات شیوه نمادین گرفت و حیوانات جایگاه ویژه‌ای در داستان‌های عامیانه یافتند. چنان‌که در بسیاری از جوامع هر حیوان نماد خاصی یافت و در ویژگی خاصی نمود پیدا کرد. «اشتراک بسیاری از این نمادها را می‌توان ناشی از میراث مردم‌شناختی مشترک میان انسان‌ها دانست که البته در عین عمومیت داشتن میان اقوام و ملل گوناگون بر حسب چارچوب فرهنگی خاص هر ملت دارای خصوصیت‌های خود است. این نمادها برای تثبیت و ترویج آداب و سنن، عرف، هنجارها، آموزه‌ها و ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و پند و اندرزهای حکمی به کار می‌رفته‌اند.» (ناظمیان، ۱۳۹۳: ۵)

ادب عامه یا ادبیات عامیانه یا فولکلور شروع حضور حیوانات در ادبیات رسمی بود و تمثیل و

استعاره حیوانی از همین جا آغاز شد.

پرسش‌های پژوهش

۱. نمادگرایی در ادب عامه چه اهدافی را دنبال می‌کند؟
۲. آیا فابل‌ها توانایی اصلاح جامعه را دارند؟
۳. آیا نمادگرایی حیوانی را می‌توان یک ژانر ادبی دانست؟
۴. نماد حیوانات در داستان «شیر و چهار وزیر او و ... چیست؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. پیشینیان در ابتدا از شخصیت‌های حیوانی برای تنوع دادن به داستان‌های خود بهره می‌بردند.
۲. نمادهای حیوانی ابتدا در ادبیات عامیانه شکل گرفت و سپس به ادبیات رسمی راه یافت.
۳. رمزگشایی نمادها بر اساس هر داستان و فرهنگی متفاوت است و هر حیوان می‌تواند در نقشی متفاوت نماد متفاوتی داشته باشد.

پیشینه پژوهش

در زمینه نماد و نمادگرایی و حکایت‌های حیوانات کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است که از آن جمله موارد زیر بیشترین شباهت را به موضوع این پژوهش دارند:

- کتاب *حیوانات در ادب فارسی*، نوشته محمد تقوی.
- کتاب *از ساختارگرایی تا قصه*، نوشته هومن ناظمیان.

(همان: ۱۰)

این دو حوزه در کنار هم کل ادبیات یک جامعه را تشکیل می‌دهند و در طول روزگار می‌توانند تغییر می‌کنند و به حوزه دیگری وارد شوند؛ چنان‌که «حماسه ملی [شاهنامه] اگرچه لباس رسمی به تن کرده است، اما محتوای آن را باید از آثار عوام بر شمرد». (محبوب، ۱۳۸۶: ۴۸) دلیل آن هم این است که در هر شهر و روستا و سیاه‌چادری، مردم قهرمانان شاهنامه را می‌شناسند و از کارهای پهلوانی آنان آگاه هستند.

هم نظم و هم نثر ادب عامه با نظم و نثر رسمی ویژگی‌های مشترک فراوانی دارند، اما تفاوت عمده در حوزه نثر در آن است که «نثر عوام همیشه جنبه عاطفی و تخیلی دارد و جنبه هنری در آن قوی‌تر است. نثر عوام فقط داستان است و داستان‌سرا همواره اولین منظورش سرگرم کردن و به هیجان آوردن و به شگفت افکندن خواننده و شنونده است». (همان: ۵۰)

نماد، سمبل (Symbol)

نماد: [ن / ن / ن] (ا. مص) در لغت دارای معانی مختلفی همچون: «نمود»، «نما»، «نماینده»، «نشان دادن»، «ظاهر کردن»، «نمایان گردانیدن» (دهخدا، ۱۳۸۵؛ ج ۲: ذیل واژه نماد) و «مظهر» (معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه سمبل) است. همچنین «رمز»، «سر»، «راز»، «علامت»، «اشاره»، «نشان»، «نشانه» (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱ و ۵) معانی دیگری از این واژه هستند.

نماد معادل واژه فرانسوی "Symbole" است که در اصل از کلمه یونانی "Symballein" گرفته شده است. این واژه خود از دو جزء "Syn=Sym" به معنی «با»، «هم»، «با هم» و

کتاب رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی،

نوشته تقی پورنامداریان.

کتاب فرهنگ جانوران در ادب فارسی، نوشته

منیژه عبداللهی.

مقاله «درآمدی بر نمادپردازی در ادبیات»، نوشته

محمدرضا صرفی.

مقاله «نمادهای جانوری در متون عرفانی با تکیه

بر آثار سنایی، عطار و مولوی»، نوشته امین رحیمی،

زهره موسوی و مهرداد مروارید.

مقاله «درآمدی انتقادی بر شیوه‌های بیان مفاهیم

اخلاقی در حکایت‌های تمثیلی و جانوری»، نوشته

شیرزاد طایفی و سعید اکبری.

مقاله «نمادشناسی حیوانات در کتاب

طرب‌المجالس»، نوشته مریم محمودی و رضا ییاسی.

مقاله «نگاهی نمادین به حضور شتر در شعر

دوره جاهلی»، نوشته رضا افخمی عقدا.

فولکلور

فولکلور از دو جزء folk به معنی عام و lore به معنای فرهنگ تشکیل شده است و این واژه که در کل به معنای فرهنگ عام است «به آن بخش از دانش و هنر و ادبیات گفته می‌شود که به صورت شفاهی و زبان به زبان از نسلی به نسل دیگر منتقل شود». (جعفری، ۱۳۹۴: ۱۰)

فولکلور بخشی متفاوت از ادبیات رسمی و

فرهنگی است و به‌طور کلی می‌توان گفت که

«مجموعه ادبیات، هنر، دانش، دین، آفرینش‌ها و در

یک کلام فرهنگ هر جامعه را می‌توان به دو بخش یا

حوزه کلی تقسیم کرد: یکی حوزه رسمی و دوم

حوزه غیر رسمی که باید آن را فولکلور نامید».

و داشت تا نظام‌های نمادین بدیع‌تری فراهم آورد. بنابراین، الفبا به‌عنوان کامل‌ترین نوع نماد برای تولید کلمات خلق شد که می‌توانست به‌عنوان نمادهای دلخواه به جای اشیا، حیوانات، اشخاص، احساسات و عواطف و ... مورد استفاده قرار گیرد. (رادفر، ۱۳۶۸: ۵۸۰ / ۱)

بیشتر صاحب‌نظران، آغاز اندیشه‌های نمادین را مربوط به دوران پیش از تاریخ یا بخش پایانی عصر پارینه‌سنگی می‌دانند. آگاهی و استنتاج امروز ما از اندیشه‌های آغازین مردمان نخستین، فرضیه «تکوین اندیشه‌های نمادین در عصر پارینه‌سنگی» را مطرح می‌کند که اثبات آن از طریق بررسی کنده‌کاری‌ها و سنگ‌نوشته‌ها صورت گرفته است. (سرلو، ۱۳۸۹: ۱۸)

امروزه دیگر نمی‌توان این واقعیت را منکر شد که نمادها در معارف بشری نقشی اساسی دارند. شکل، ترتیب و تفسیر نمادها، در تاریخ تمدن، تاریخ ادیان، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، هنر و ... حتی سیاست، همگی در مسیر خود با نمادها آشنا می‌شوند. (شوالیه، ۱۳۸۴: ۱ / ۱۷ و ۱۸)

۱. تعریف نماد (سمبل) به‌عنوان یک «اصطلاح ادبی» در مبحث ادبیات تعاریف متفاوتی برای نماد ارائه شده است. در یک تعریف «نماد به چیزی یا عملی گویند که هم خودش باشد و هم مظهر مفاهیمی فراتر از وجود عینی خودش ... مثل کبوتر سفید، برگ و زیتون با مفهوم صلح که از قدیم‌الایام مانده‌اند» (داد، ۱۳۷۱: ۳۰۱) و در تعریف دیگر آمده است «چیزی که معنای خود را بدهد و جانشین چیز دیگری نیز بشود یا چیز دیگری را القا کند. مثلاً وقتی گل سرخی را با

"ballein" به معنی «انداختن»، «ریختن»، «گذاشتن»، «جفت کردن» تشکیل شده و در مجموع به معنی «با هم انداختن»، «با هم ریختن»، «با هم گذاشتن»، «شرکت دادن»، «سهم دادن» و «مقایسه کردن» است. (همان: ۵) در تعریفی دیگر «نمادها مظاهر برگرفته از تصورات و افکار و آرمان و آرزوهایی است که از ذهن انسان‌ها نسبت به محیط و اشیا و اجزای جهان هستی سرچشمه می‌گیرد و شاید در مراحل ابتدایی نمودی از واکنش آدمی نسبت به چیزی است که به آن آگاهی ندارد». (محمودی و الیاسی، ۱۳۹۶: ۵۸)

با گذشت زمان، برداشت از معنی و مفهوم واژه سمبل (نماد) پیچیده‌تر و بغرنج‌تر شده است؛ به‌طوری که به «هر نشانه محسوس (که با رابطه‌ای طبیعی) چیزی غایب یا غیرقابل مشاهده را متذکر شود» سمبل گویند. (سیدحسینی، ۱۳۸۹: ۲ / ۵۳۸) در تعریفی دیگر «نماد، در معنای خاص خود، عبارت است از واقعیاتی پویا و چند معنایی که با ارزش‌های عاطفی و عقلانی، یعنی با زندگی واقعی در آمیخته است». (سرلو، ۱۳۸۹: ۱۰)

هرچند کلمه نماد (سمبل) مفاهیم مختلفی را به ذهن متبادر می‌سازد که این «کلمات برای القای مفهوم یا مفاهیم یک نماد، حتمی الوجودند، اما قادر نیستند تمام ارزش‌های آن را بیان کنند». (شوالیه، ۱۳۸۴: ۱ / ۱۹)

انسان از دیرباز، استفاده از نماد را برای بیان ایده‌ها، تجربه‌ها و خواسته‌هایش آموخت. ابتدایی‌ترین نمادها، همان تصویری است که انسان نخستین، آن را بر دیواره غارها رسم کرد، اما نیاز به بیان افکار پیچیده تر و نیاز به خلق ایجاز و فشرده‌گی در بیان، انسان را

شاعران بزرگ است، معمولاً فهم آنها برای خواننده دشوار است؛ مگر اینکه منتقدان آنها را آشکار کنند. مثل رمزهای عرفانی مولانا که خود، مبتکر آن بوده است. مولانا «خورشید» را نمادی از «خدا» و «شمس تبریزی» و «شیر» را سمبل «خدا» و «شیخ» قرار داده است (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۱۳)، اما واقعیت آن است که در تقسیم‌بندی نمادها، یک تقسیم‌بندی جامعی که مورد قبول همگان باشد، صورت نگرفته است و هر یک از صاحب‌نظران بر اساس اهمیتی که برای یکی از جنبه‌های خاص نماد قائل شده‌اند، آن را تقسیم‌بندی کرده‌اند.

تاریخ نماد نشان می‌دهد «هر موضوعی دارای قابلیت خاص نمادین است و منظور از هر «موضوع» در اینجا هر موجود، شیء، گرایش، تصویر، رؤیا، قانون ممتاز اصطلاح رایج و غیره می‌باشد». (شوالیه، ۱۳۸۴: ۳۵ / ۱) بنابراین نمادها را می‌توان از جنبه‌های گوناگون تقسیم‌بندی کرد: برای مثال نمادهای دینی (نمادهای اهورایی و نمادهای اهریمنی)، نمادهای طبیعی و مجرد، نمادهای اسطوره‌ای (نمادهای ملکوتی و زمینی)، نمادهای کیهانی، اخلاقی، پهلوانی فنی، نمادهای مثبت و منفی، نمادهای گیاهی و حیوانی و ...

۳. تاریخچه نمادپردازی در ادبیات فارسی

سرچشمه نمادگرایی در ادبیات فارسی به ایران باستان می‌رسد؛ چنان‌که «نمادهای گیاهی و حیوانی یکی از نخستین نمادهایی است که انسان در دوران آغازین حیات خود به آن پرداخته است. در داستان درخت آسوریک در مقابل درخت نخل، نماد گیاهی، بز قرار دارد که نماد حیوانی این داستان کهن است.

تأکید و تکرار توصیف می‌کنیم، گل، همان گل سرخ است، اما چیز بیشتر از خودش را نشان می‌دهد که ذهن ما را به خود جلب می‌کند؛ مثلاً ما را به یاد جوانی و زیبایی و عشق می‌اندازد؛ یعنی گل سرخ در عین حال که گل سرخ است، «نماد» جوانی و زیبایی و عشق نیز هست». (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۵۴۴)

با توجه به این تعاریف، می‌توان گفت: ویژگی مشترک نماد (سمبل) به‌عنوان یک «اصطلاح ادبی» برداشت و القای یک مفهوم ثانویه از معنی اولیه یک واژه، با در نظر گرفتن شرایط مختلف استفاده از آن واژه است.

۲. انواع نمادها

سمبل‌ها و نمادها، در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۲-۱. سمبل‌های قراردادی یا عمومی (Conventional or Public)

سمبل‌های عمومی به سبب تکرار، دلالت صریح و واضحی دارند و می‌توان گفت که جنبه‌ی هنری آنها بسیار ضعیف است. این نوع نمادها ممکن است نزد اقوام مختلف فرق کند، اما گاهی نیز از مرزهای یک کشور خارج شده به‌صورت نماد جهانی پذیرفته می‌شود؛ مانند «کبوتر» که نماد صلح و دوستی و «ترازو» که نمادی از عدالت است.

۲-۲. سمبل‌های خصوصی یا شخصی (Private or Personal)

سمبل‌های خصوصی که حاصل ابتکار نویسندگان و

گاهی رمز در هنر به علت پیچیدگی و دشواری موضوع هنری است. مانند شاعران صوفی مسلک و نویسندگان عارف که به اعتقاد آنها تعریف از خداوند و هستی و طبیعت و ... بدون بیان رمزی و سمبولیک سودی ندارد.

گاهی نیز شرایط اجتماعی یا سیاسی خاصی بر ادبیات حاکم می‌گردد که موجب به وجود آمدن رمزگرایی و نمادپردازی می‌شود. این شرایط سخنور را وادار می‌کند برای بیان افکار و عقاید خود، در پس پرده رمز و تمثیل پنهان شود. (محمد سعید، ۱۳۸۷: ۲۱ و ۲۲)

۵. انواع نمادها در ادبیات

نمادپردازی در آثار ادبی اشکال مختلفی دارد. گاه ساختار یک اثر نمادین است؛ مانند عقل سرخ ابن سینا. گاهی یک حادثه، رویداد، حالت، شیء و یا شخص کاربردی نمادین دارد. (انوشه، ۱۳۷۶: ذیل واژه نماد) گاهی نیز تکرار یک موضوع، عمل، حرف یا تصویر ممکن است مفهوم نمادین داشته باشد.

گاهی نیز اسم افراد، مکان‌ها و ... حتی نامی که بر روی کل اثر می‌گذارد، به صورت نمادین به کار می‌رود. امکان دارد نام قهرمان و دیگر شخصیت‌ها معرف شخصیت یا حاوی مطلب یا پیام‌های خاصی باشد. از آن جمله است سیمرغ در *منطق‌الطیر* عطار که نمادی از سی مرغ و سی سالک واقعی است که به سرمنزل مقصود رسیده‌اند.

غیر از اشکال نمادین خاص ادبیات، بقیه عناصری که در ادبیات ارزش نمادین یافته‌اند، مربوط

ادبیات فارسی سرشار از نمونه‌هایی است که کاربرد عناصر نمادین حیوانات در آن به خوبی آشکار است. شاعران و ادیبان حیوانات را نماد و نشانه یک شخصیت می‌دانستند و آنها را تعریف می‌کردند. (محمودی و الیاسی، ۱۳۹۶: ۵۸) لازم به ذکر است که نمادپردازی تقریباً در همه ژانرها (انواع ادبی) به چشم می‌خورد، ولی در بعضی از ژانرها بیشتر و در برخی کمتر و گاه به ندرت. برای مثال «در دوره نخست ادبیات کهن فارسی، به دلیل بینش برون‌گرایانه شاعران و نویسندگان [نمادپردازی] نادر بود... اما با رشد ادبیات عرفانی و پیچیده‌تر شدن عوالم پدیدآورندگان آثار ادبی نمادپردازی، جایگاه ویژه‌ای یافت. در ادبیات دوره معاصر نیز به نمادپردازی توجه شده است که نمونه‌ای از آن را در سمبولیسم اجتماعی شعر نو می‌توان یافت». (انوشه، ۱۳۷۶: ذیل واژه سمبولیسم)

۴. علل و انگیزه نمادگرایی در ادبیات

هنرمند به علل مختلفی به رمز و بیان سمبولیک رومی می‌آورد که مهم‌ترین آن وجود انگیزه هنری خاص در اوست که او را ناگزیر به استفاده از این نوع بیان می‌کند. به آن سبب که «اشیای بی‌شماری در ورای فهم انسان قرار دارند و ما پیوسته اصطلاحات سمبلیک را به کار می‌بریم تا مفاهیمی را نمودار کنیم که نمی‌توانیم تعریف کنیم یا کاملاً بفهمیم. این یکی از دلایلی است که به موجب آن تمام ادیان، زبان و صور سمبلیک را به کار می‌برند». (یونگ، ۱۳۷۸: ۲۴) از نظر بسیاری از نمادگرایان این نوع بیان ارزشمندتر و کامل‌تر از بیان مستقیم است.

به یکی از حیثه‌های جماد، نبات، حیوان، انسان و فرشتگان است.

۶. ژانرها و نمادپردازی حیوانی

همان‌طور که گفتیم نمادپردازی حیوانی در گونه‌هایی از ادبیات رواج بیشتری دارد و آن هم به علت ظرفیت آن گونه ادبی برای بیان مقاصد نمادگرایی حیوانی است و مهم‌ترین دلیل استفاده از نمادپردازی حیوانی در ادبیات، تعالیم اخلاقی و بیان مسائل اجتماعی و اغراض سیاسی به‌ویژه در یک جامعه استبدادی است. در ادبیات فارسی، نمادگرایی حیوانی به اشکال مختلف در انواع ادبی به کار رفته است؛ به‌طوری که از اشارات مختصر در اشعار شعرا و نویسندگان شروع شده و به فابل‌های طولانی می‌رسد.

۷. نمادپردازی حیوانی در ادبیات شفاهی و عوام

در بیان اهمیت حیوانات در فرهنگ عامه همین بس که حیوانات جزو لاینفک زندگی مردم بوده‌اند، به‌طوری که اقوام بدوی برای نامیدن خود و نام‌گذاری افلاک آسمانی و نیز خدایان و اساطیر و ... همه و همه از حیوانات استفاده می‌کردند. همچنین حضور حیوانات در ادبیات شفاهی - که خیلی از آنها در بین اقوام و ملل مختلف تشابهات قابل ملاحظه‌ای دارند - تأکیدی بر اهمیت نمادگرایی حیوانی در ادبیات شفاهی و عوام است.

مطالعه در فرهنگ عامه ایران نشان می‌دهد که گذشتگان، سال‌ها را با نام حیوانات نام‌گذاری کرده و طبق نام آن حیوان برای آن سال پیش‌بینی‌هایی می‌کردند. این نام‌گذاری در کتاب *نصاب‌الصبيان* به زیبایی آورده شده است:

موش و بقر پلنگ و خرگوش شمار
زین چار چو بگذری نهنگ آید و مار
وانگاه به اسب و گوسفندست حساب

حمدونه و مرغ و سگ و خوک آخر کار
(فراهی، ۱۳۴۹: ۵۸)

همچنین در تقویم‌های قدیم ماه‌های سال به نام حیوانات نام‌گذاری می‌شده است: این نام‌ها به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. بره (حمل)؛ ۲. گاو (ثور)؛ ۳. دویپکر (جوزا)؛ ۴. خرچنگ (سرطان)؛ ۵. شیر (اسد)؛ ۶. خوشه (سنبله)؛ ۷. ترازو (میزان)؛ ۸. کژدم (عقرب)؛ ۹. کمان (قوس)؛ ۱۰. بز (جدی)؛ ۱۱. دلو (سطل) و ۱۲. ماهی (حوت).

برج‌ها دیدم که از مشرق برآوردند سر

جمله در تسبیح و تهلیل حی لایموت
چون حمل، چون ثور، چون جوزا و سرطان و اسد
سنبله، میزان و عقرب قوس و جدی و دلو و حوت
(همان: ۵۹)

۸. نقش حیوانات در نمادپردازی

حضور حیوانات در ادبیات به‌عنوان یکی از اجزا و انواع مهم نمادها، بیانگر رابطه نزدیک و پیوند ناگسستنی میان انسان و حیوان است. استفاده از نمادهای حیوانی، بعد از آفرینش نمادها توسط انسان تا آنجا پیش می‌رود که رنگ مذهبی و تقدس به خود می‌گیرد. «خدا قبل از اینکه نقش انسان را بپذیرد، معمولاً به شکل حیوان تجسم می‌یابد و در نظر انسان بدوی، حیوان، از انسان، اسرارآمیزتر است». (زمردی، ۱۳۸۲: ۲۵۵) همچنین «حضور حیوان در مقدس‌ترین مکان‌ها به شکل نقاشی یا مجسمه‌های عظیم خود

و در اصطلاح ادبی «داستان ساده و کوتاهی است که معمولاً شخصیت‌های آن حیوان هستند و هدف آن تعلیم یک اصل و حقیقت اخلاقی یا معنوی است» (همان‌جا) و در تعریف دیگری آمده است که فابل «حیواناتی با افکاری هستند که اگر فرضاً انسان‌ها به شکل حیوانات مسخ می‌شدند، مسلماً دارا بودند». (تراویک، ۱۳۷۳: ۴۳۲) هرچند اغلب شخصیت‌های فابل را حیوانات بر عهده دارند، اما گاهی اشیای بی‌جان نیز نقشی می‌پذیرند.

نویسنده کتاب *حرف‌های تازه در ادب فارسی* فابل را معادل افسانه در نظر گرفته و معتقد است: «منظور ما از افسانه همان Fable در زبان‌های انگلیسی و فرانسوی است و غرض از آن نوعی داستان تمثیلی و استعاری است که جانوران و پرندگان و گیاهان و جز آنها، در نقش انسان ظاهر می‌شوند، مانند افسانه‌های کلیله و دمنه». (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۰: ۲۴۱)

در هر فابل دو عنصر اساسی وجود دارد: یکی تمثیل‌های حکایت و دیگری قانون اخلاقی. «نویسنده در فابل یک اصل اخلاقی یا رفتاری را تشریح می‌کند. بدین ترتیب که معمولاً در پایان آن راوی یا یکی از قهرمانان آن اصل اخلاقی را در یکی یا دو جمله بیان می‌کند». (شمیسا، ۱۳۸۰: ۲۵۰)

در فابل جدال بین سمبل نیکی و بدی بسیار مشخص، مؤکد و آشکار است و فقط باید سمبل‌هایی پیدا کرد که نمایانگر مفهوم اخلاقی خاص باشد. (فسایی، ۱۳۸۰: ۱۳۹)

به هر حال آنچه در فابل مشخص است، وجود عناصر غیرانسانی و تشخیص بخشیدن به آنان برای رسیدن به هدفی خاص می‌باشد.

حکایت از مقام و منزلت حیوان نزد انسان‌های بدوی دارد». (تقوی، ۱۳۷۶: ۹۹)

حیوانات در اساطیر - که در قلمرو نمادها هستند- نیز حضوری محسوس داشته‌اند. بسیاری از اساطیر مربوط به حیواناتی می‌شوند که باید برای باروری و یا نیکبختی آفرینش قربانی شوند. (یونگ، ۱۳۸۳: ۳۶۲)

نمادگرایی حیوان در ادیان آسمانی هم دیده می‌شود. مثلاً در مسیحیت، خود مسیح از نظر نمادین به صورت بره‌خداوند، ماهی، مار، شیر و گاهی اسب شاخدار تجسم یافته است (همان: ۲۶۲ و ۲۶۳)

۹. نمادگرایی حیوانی در ادبیات فارسی

در ادبیات فارسی نمادگرایی حیوانی، در قالب نثر و نظم به فراوانی یافت می‌شود و تحت عنوان فابل یا حکایت‌های حیوانات نمود می‌یابد. نکته مهم اینکه تعلیمی بودن اساس قصه‌هایی است که در آن حیوان نقش انسان را ایفا می‌کند. در کتاب *فرهنگ جانوران در ادب فارسی* آمده است که «قدیمی‌ترین حیوان ثبت شده در ادبیات فارسی روباه است». (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۷۶) روباه در حکایتی که به زبان سغدی نوشته شده نقش حکیمی را دارد. در منظومه درخت آسوریک که از متون قدیم فارسی است از بزی نام برده شده است که با درخت مناظره می‌کند.

فابل

حکایت‌های حیوانات که در اروپا به نام فابل شناخته می‌شود «از ریشه لاتین Fabula به معنی بازگفتن است و بر روایت کردن تأکید دارد» (تقوی، ۱۳۷۶: ۹۲)

شده است و لحن کلام به گونه‌ای است که اشاره مستقیم را بر نمی‌تابد». (همان: ۱۱۹) حتی در قرن اخیر هم از فابل به‌عنوان ابزاری کارآمد، برای بیان مقاصد سیاسی استفاده شده و در ادبیات همه کشورها کم و بیش این نوع ادبی به کار گرفته می‌شود.

نمادگشایی حیوانی

چنین به نظر می‌رسد که گره‌گشایی نمادهای حیوانی نسبت به سایر نمادها بسیار آسان‌تر صورت می‌گیرد و این به دلیل ویژگی طبیعی بارز و مشترک بین انسان و حیوان است که به راحتی یکی جایگزین دیگری می‌شود. مثلاً در فرهنگ عامه و نیز در هجویات و هزلیات، شعرا و نویسندگان آن‌جا که در مقام توهین و تخریب شخصیت و فحش و ناسزا، از حیوانات استفاده می‌کنند بلافاصله ویژگی برجسته آن حیوان که بدان متصف است پدیدار شده، پیام اصلی گوینده یا نویسنده را درک می‌کنیم. پس آنچه نقش جانوران را در ادبیات به وجود می‌آورد، قوه تخیل انسان و نوع رفتار خاصی است که بدان منتصب می‌شود؛ به طوری که گاه حتی شاعر و نویسنده آن حیوان را نماد نشانه یک شخصیت می‌دانند، اما همیشه نمادهای حیوانی به این روشنی و وضوح، بیانگر مفهوم نمادین خود نیستند و برای گره‌گشایی از این مفاهیم نمادین، نیاز به شناخت فرهنگ و جامعه و شرایط طبیعی و اقلیمی و حتی تاریخی یک قوم و ملت وجود دارد. چنانچه برخی از نمادها مفهوم خود را در طول تاریخ از دست داده و یا گاه تبدیل به مفهومی کاملاً متضاد شده‌اند. برای مثال در ایران باستان، سگ حیوانی عزیز و مورد احترام بوده و کشتن آن گناهی نابخشودنی به شمار می‌آمده که مستوجب کیفر بوده است. سگ در ردیف اسب و شتر و گوسفند مورد

۱. علل و انگیزه استفاده از فابل

به‌طور کلی بنا بر دو دلیل اساسی، فابل‌ها نزد عام و خاص از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند: یکی خاصیت تعلیمی آن است که به سبب آشنایی عموم با شخصیت حیوانات و سهل‌الوصول بودن پیام آنها، همگان از شنیدن آن لذت می‌برند. «در اصل این حکایت‌ها از ابزار بیان و گاه استدلال محسوب می‌شود» (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۵) و از آنجا که نصیحت و پیام اخلاقی و به‌طور کلی تعلیم و تربیت، همواره به‌صورت غیرمستقیم اثر بیشتری دارد، این نوع حکایات اثر فوق‌العاده‌ای بر روی مخاطب می‌گذارند و بی‌تردید بزرگان علم و ادب «از این طریق در تعلیم مفاهیم بلند معنوی و اخلاقی و رسیدن به هدف خود، کامیاب بوده‌اند و هم ادب درس و هم ادب نفس را برای مخاطبان به ارمغان آورده‌اند». (همان: ۱۱۸ و ۱۱۹)

دیگری خاصیت انتقادی آن است که از این مفهوم، به‌ویژه نزد متفکران و روشنفکران جامعه بنا بر مقتضیات زمان و مکان، استفاده می‌شده است. «تاریخچه حکایت‌های حیوانات نشان می‌دهد که هر زمان مناسب بوده و اقتضا می‌کرده روشنفکران و اندیشمندان و اهل قلم از آن‌ها برای ابراز عقاید خود و انتقادهای نیشدار اجتماعی بهره گرفته‌اند». (همان: ۱۰۸)

در حالی که در غرب از فابل‌ها به‌عنوان یکی از ابزار انتقادی علیه جامعه و حکومت استفاده می‌شود، در ایران به ندرت از حکایات حیوانات بدین منظور استفاده شده است «و همیشه بهانه آوردن حکایت، پیش کشیدن تعالیم اخلاقی بوده و گاه در لفافه داستان‌ها به تذکر دادن برخی نکته‌های سیاسی اکتفا

در ادامه طوطی داستان خود را برای زن چنین آغاز می‌کند که در سرزمین گجرات مردی بازرگان و ثروتمند بود که پس از مدتی بخت او برگشت و روزگارش به مفلسی و درماندگی رو کرد. تصمیم به سفر گرفت تا شاید بتواند برکتی به کار و زندگی خویش دهد.

به بیشه‌ای رسید و ناگاه چشمش به شیری افتاد؛ از ترس بر جا ماند. وزیران شیر در آن روز آهو و گوزن بودند. وقتی آن دو مرد بازرگان را دیدند، پیش از آن که شیر، مرد را ببیند، به نزد شیر رفتند و گفتند ای پادشاه این مرد به نیابت از آدمیان برای عرض ادب به خدمت آمده است. شیر بازرگان را به حضور طلبید و با گرمی با او دیدار کرد و از گنجینه‌ی خود بسیاری به مرد بخشید.

مرد بازرگان با گنجی که از شیر گرفته بود به دیار خود بازگشت و زندگی‌اش رونق گرفت، اما پس از مدتی آتش حرص در او شعله‌ور شد و دوباره به بیشه بازگشت تا بتواند از شیر گنجی بگیرد.

این بار وزیران شیر، گرگ و شغال بودند. هنگامی که آنان مرد بازرگان را دیدند، پیش شیر زبان به شکوه گشودند که انسان چگونه به خود جرأت داده به قلمرو شاه حیوانات وارد شود؛ باید این گستاخ مجازات شود.

شیر به بازرگان حمله برد و مرد بازرگان فرار کرد و از درختی بالا رفت. گوزن و آهو که از دور ماجرا را می‌دیدند، برای نجات جان او دست به کار شدند و پیش شیر آمدند و گفتند: این مرد که پیش‌تر لطف و مهربانی شیر شاه را دیده است، این بار آمده

احترام بوده است و در اوستا چندین بار به‌عنوان موجودی عزیز یاد شده است (یاحقی، ۱۳۷۵: ۲۵۰)، اما بعد از اسلام، بنا بر شرع مقدس اسلام، به‌عنوان موجودی نجس و پلید باید از آن دوری جست و یا مثلاً جغد که در فرهنگ شرق به‌عنوان نماد شومی و نامبارکی به شمار می‌آید، در مغرب زمین به‌عنوان نماد دانایی و فرزاندگی محسوب می‌شود.

بنابراین «برای آن که در آینه‌ی نماد نه تنها خود را بلکه شاعر یا گوینده کلام را ببینیم باید شعور و بصیرتی هم‌ساز و هم‌سنگ با گوینده پیدا کنیم. برای کسب چنین بصیرتی گذشته از آشنایی علمی با تجارب شاعران و نویسندگان نمادگرا که همه کس را در همه زمانی میسر نیست باید با توغل در احوال و اندیشه‌های شاعر و استقراء در اشعار و نوشته‌های وی به استخراج معانی حمل شده بر نمادها از طریق تشبیه و مجاز و استعاره شواهدی را جمع‌آوری کنیم که امکان حدس‌های ما و نه صحت و قطعیت آنها را تأیید کند». (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۶۸)

داستان شیر و چهار وزیر او و برهمنی که از مجاملت دو وزیر آسوده شد و از مناقشت دو وزیر فرسوده ماند

در بیست و یکمین داستان طوطی‌نامه آمده است که روزی کرکسی به شتری گفت: چگونه راضی هستی که کودکی افسار تو را به دست گیرد و به هر سو بکشانند؟!

شتر گفت: ای کرکس تو از حال من بی‌خبری؛ زیرا تو با دنیای مردگان سر و کار داری و من با دنیای زندگان.

تا آوازه‌ی این لطف را به گوش پرندگان برساند. به همین سبب است که از درخت بالا رفته است. شیر سخن گوزن و آهو را پذیرفت و بازگشت. مرد بازرگان نیز با هراس از درخت پایین آمد و پا به فرار گذاشت.

جدول ۱. نمادگشایی حیوانات در داستان «شیر و چهار

وزیر او و ...» از کتاب طوطی‌نامه

نام حیوان	نماد
کرکس	تنبلی و حماقت و کم‌همتی
شتر	شکیبایی و تلاش
طوطی	شیرین سخنی و دانایی
آهو	خوش رفتاری و دوراندیشی
گوزن	خردمندی و نیکویی
شیر	قدرت و دهن‌بینی
شغال	نیرنگ و فریب و ستمگری
گرگ	ستیزه‌گری و فرصت‌طلبی

بحث و نتیجه‌گیری

در گذشته زندگی انسان پیوندی تنگاتنگ با زندگی حیوانات داشت و وابسته به آن بود. بنابراین، انسان متوجه رفتار و حرکات حیوانات شد و به شباهت رفتاری خود با حیوانات پی برد. کم‌کم در گذر زمان هر رفتاری به حیوانی نسبت داده شد و انسان‌ها در داستان‌ها و قصه‌های سرگرم‌کننده‌ای که برای هم نقل می‌کردند از حیوانات به جای شخصیت انسانی بهره می‌بردند. البته این نوع کاربرد حیوانات جدا از جذاب کردن داستان‌ها، به دلیل پنهان سخن گفتن و ترس از بیان آشکار برخی موضوعات نیز بود. چنان‌که در

محضر قدرتمندان نصیحت‌گویی به همین شیوه بیان می‌شد.

در واقع آن چه حیوان در قصه می‌گوید، سخن قصه‌گوست؛ قصه‌گویی که شخصیت‌هایش را در هر حیوانی با همان ویژگی‌های رفتاری - که یا در حیوان مورد نظر دیده یا برای آن متصور شده - جای داده است تا بتواند شنونده را بعد از پایان قصه به کنکاش ذهنی وا دارد و اثر قصه را ماندگارتر کند. پس بی‌شک می‌توان گفت که نمادها نشان‌دهنده ذکاوت پیشینیان در خلق آثاری هستند که به وسیله آنها سعی در اصلاح انسان و جوامع داشته‌اند.

منابع

- انوشه، حسن (۱۳۸۶). فرهنگ‌نامه ادبیات فارسی (۲). تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۶۷). رمز و داستان‌های در رمزی ادب فارسی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ دوم.
- تراویک، باکتر (۱۳۷۳). تاریخ ادبیات جهان. ترجمه عربعلی رضایی. تهران: فروزان.
- تقوی، محمد (۱۳۷۶). حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی. تهران: روزنه.
- جعفری، محمد (۱۳۹۴). درآمدی بر فولکلور ایران. تهران: جامی. چاپ اول.
- داد، سیما (۱۳۷۱). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۶۸). فرهنگ بلاغی - ادبی. ج ۱. تهران: اطلاعات.

- زمردی، حمیرا (۱۳۸۲). *نقد تطبیقی ادیان و اساطیر* (در شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، منطق الطیر عطار). تهران: زوار.
- سرلو، خوان ادواردو (۱۳۸۹). *فرهنگ نمادها*. ترجمه روح‌انگیز اوحدی. تهران: داستان.
- سید حسینی، رضا (۱۳۸۹). *مکتب‌های ادبی*. تهران: نگاه. چاپ پانزدهم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۶). بیان. تهران: انتشارات فردوس. چاپ هفتم.
- _____ (۱۳۸۰). *انواع ادبی*. تهران: فردوس. چاپ هشتم.
- شوالیه، ژان و آلن گبران (۱۳۸۴). *فرهنگ نمادها*. جلد ۱ تا ۵. ترجمه سودابه فضایی. تهران: جیحون. چاپ دوم.
- عبداللهی، منیژه (۱۳۸۱). *فرهنگ‌نامه جانوران در ادب فارسی*. تهران: پژوهنده.
- فراهی، ابونصر (۱۳۴۹). *نصاب‌الصبیان*. به اهتمام محمدجواد مشکور. تهران: اشرفی.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۲). *ادبیات عامیانه ایران*. به کوشش حسن ذوالفقاری. جلد ۱ و ۲. تهران: _____.
- چشمه. چاپ سوم.
- محمد سعید، فاطمه‌الزهرا (۱۳۸۷). *سمبولیسم در آثار نجیب محفوظ*. ترجمه نجمه رجایی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- محمودی، مریم و رضا الیاسی (زمستان ۱۳۹۶). «نمادشناسی حیوانات در کتاب طرب‌المجالس». *فصل‌نامه متن‌شناسی ادب فارسی*. معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان، سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم، شماره چهارم، صص ۵۷-۷۰.
- ناظمیان، هومن (۱۳۹۳). *از ساختارگرایی تا قصه: داستان ادبیات کهن عربی از زبان حیوانات*. تهران: امیرکبیر. چاپ اول.
- نخشی، ضیاءالدین (۱۳۷۲). *طوطی‌نامه*. تهران: منوچهری. چاپ اول.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۰). *حرف‌های تازه در ادب فارسی*. اهواز: جهاد دانشگاهی.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۸). *انسان و سمبل‌هایش*. ترجمه محمود سلطانیه. تهران: جامی. چاپ سوم.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵). *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی*. تهران: سروش.